

در برابر تعرض سرمایه داران به حقوق کارگران باید ایستاد!

بررسی چگونگی تغییرقانون کار وحدود این تغییرات را طبق رهنمودها والگوهای سرمایه بین المللی و " سازمان جهانی کار" پی گیری و دنبال می کرد، سرانجام نتیجه نهایی کارخود را البته نه به طور شفاف و کامل، بلکه ناقص و با درنظر گرفتن پاره‌ای ملاحظات اعلام نمود. از همین ملاحظاتی که سرمایه‌داران و دولت پاسدارمنافع آنها، دراعلام و علنی ساختن یکباره ی تمام این تغییرات و تصمیمات به‌کارمی‌برند، می‌توان به درجه وقاحت سرمایه‌داران و تعرض خشن آنان علیه کارگران و ابعاد فاجعه‌آمیزی که

در ادامه تعرضات همه جانبه سرمایه داران علیه کارگران، و پس از چند سال کشاکش بر سر تغییر قانون کار، سرانجام این تعرض به عرصه قانون کار نیز تعمیم یافت. طبقه سرمایه دار که در این مورد از حمایت و پشتیبانی بی بروبرگرد مجلس و کابینه خاتمی برخورداراست، به قانون کاری که دودهه پیش در شرایط سیاسی و توازن قوای دیگری مصلحتا پذیرفته شده بود، دست - اندازی کرد و با ایجاد تغییر در آن، زمینه کسب سودهای بیشتر و تشدید استثمارخشن و بی قید و شرط کارگران را بیش از پیش مهیاساخت. هیئت سه‌جانبه‌ای که مدتهاست

در برابر تعرض سرمایه داران به حقوق کارگران باید ایستاد!

این تصمیمات و تغییرات برای طبقه کارگر به دنبال دارد پی برد. معهذ این فقط نگفته‌ها نیست که از ابعاد فاجعه آمیزی که تصمیمات سرمایه داران و کارگزاران آنها برای طبقه کارگر به دنبال دارد، برده برمی‌دارد، گفته‌ها نیز - تا آنجایی که گفته شده است و لو به شیوه فطره چکانی - آشکار و صریح بر این قضیه صحنه می‌گذارند.

در مورد چگونگی اجرای ماده ۱۹۱ قانون کار، اخیراً آئین‌نامه‌ای در هفت ماده، از سوی عطاردیان دبیرکانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان و صادقی‌رئیس کانون عالی شورا - های اسلامی کار به امضاء رسید. به گزارش خبرنگار ایسنا، "به موجب این آئین‌نامه، تعداد کارگران، شرایط کار، وضع اقتصادی کارگاه و روابط کارگر و کارفرما، مصلحت - هائی هستند که باعث شده‌اند تدوین کنندگان آن، کارگاه‌های کوچک دارای کمتر از ۱۰ نفر کارگر را از شمول ۸۵ ماده قانون کار و موادی از فصل تنبیهات و مجازات‌ها که مربوط به تنبیه و مجازات متخلفان از موادی است که در این آئین‌نامه حذف شده‌اند، خارج می‌کند" مستقل از چگونگی و نحوه اجرای سایر مواد قانون کار و مستقل از تغییرات سایر مواد و بندهای قانون کار از جمله مواد ۲۷، ۲۹، ۴۹، ۱۸۹، ۵۰ و غیره که چند و چون آن در آینده روشن تر خواهد شد، علی‌الحساب طبق همین آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار، میلیونها کارگر دیگر از شمول قانون کار خارج و از حداقل حمایت‌های قانونی که داشتند نیز، محروم می‌شوند.

حقیقتاً از این وقیحانه تر و بی رحمانه تر نمی‌شد منافع سرمایه داران و استثمارگران را زیر عنوان "مصلحت" فرمول بندی کرد و برای تامین این منافع، طبقه کارگر و سرفره خالی کارگران را مورد یورش قرار داد. به راستی "تعداد کارگران، شرایط کار، وضعیت اقتصادی کارگاه و روابط بین کارگر و کارفرما، چگونه "مصلحت"‌هایی هستند که بر آن مبنا چند میلیون کارگر را باید از شمول قانون کار خارج ساخت و دهها هزار کارگر دیگر را به خیابان پرتاب کرد؟

سرمایه دار دنبال افزایش سود است. دنبال این است که چگونه هزینه را کاهش و سود را افزایش دهد. سرمایه‌دار می‌خواهد از شمار کمتری از کارگران، کار بیشتری بکشد و دست - مزدی که به فرض به صد کارگر می‌دهد، به ۵۰ کارگر بدهد. اما دوبرابر یعنی به اندازه همان صد کارگر از آنها کار بکشد. پس منفعت سرمایه دار در این است که شمار زیادی از کارگران را دک کند. سرمایه دار نمی‌خواهد هیچگونه تعهد و قید و بندی در زمینه شرایط کار داشته باشد. تامین بهداشت، ایمنی محیط کار، لباس کار، ایاب ذهاب و غیره، این‌ها

همه هزینه بردار است و سرمایه دار مایل نیست این هزینه‌ها را بپردازد و می‌خواهد این پول‌ها را نیز به جیب‌بزند و در ضمن قید و بندی در زمینه شرایط استخدام کارگر، اخراج کارگر، تعیین ساعات کار و دستمزد و اضافه کاری و امثال آن نداشته باشد. از وضعیت اقتصادی و روابط بین کارگر و کارفرما نیز، سرمایه دار چندان رضایت ندارد. اگر وضعیت بحرانی حاکم است و سرمایه‌دار عجلتاً نمی‌تواند در شکل و اندازه مورد دل - خواه خود، سود کسب کند، نمی‌خواهد در تعطیل یک بخش یا تمام کارخانه و اخراج کارگران یک بخش یا تمام کارخانه هیچگونه محدودیتی داشته باشد و هر گونه قید و بند قانونی در این زمینه، یا تعهدات مالی و حقوقی نسبت به وضعیت شغلی و آینده کارگران او را شدیداً آزار می‌دهد و با آن مخالف است. سرمایه دار نمی‌خواهد چیز دیگری جز اراده و خواست او، بر شرایط کار و روابط کارگر و کارفرما حاکم باشد.

آنچه تحت عنوان "مصلحت" فرمول بندی شده، در واقع امر منفعت بی چون و چرای سرمایه داران است که مبنای تهیه، تنظیم و اجرای آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار قرار گرفته است. طبق مواد هفتگانه این آئین‌نامه، نه فقط نزدیک به ۴ میلیون کارگر از شمول قانون کار خارج می‌شوند و معیار و اراده‌ی ناظر بر شرایط کار، استخدام، اخراج، تعیین میزان دستمزد، ساعات کار، اضافه کاری و امثال آن، معیار و اراده‌ی یکجانبه سرمایه‌دار است، بلکه با حذف مواد دیگری از قانون کار که مربوط به تعقیب و مجازات کارفرمایان می‌شد در صورتی که طبق ضوابط عمل نمی‌کردند، اکنون سرمایه‌داران و کارفرمایان در قبالت اقدامات خود از لحاظ حقوقی و قانونی نیز به هیچ مقام و مرجعی پاسخگو نخواهند بود. باید در نظر داشت که اولاً این فقط حدود ۳ میلیون و هشتصد و پنجاه هزار کارگری که در بیش از دو میلیون کارگاه کوچک با ده کارگر یا کمتر از آن مشغول به کارند نیستند که بدین وسیله به شدت تحت فشارهای مالی و اقتصادی قرار می‌گیرند و سطح معیشت و زندگی آنان، مرزهای فقر و گرسنگی مزمن و دایمی را پشت سر می‌گذارد. با در نظر گرفتن ۵ نفر به عنوان متوسط اعضاء خانوار کارگری، شمار این انسانها که قرار است به بهاء منفعت و سود بیشتر و فربه‌تر شدن سرمایه داران، با فقر، بیماری و تیره‌روزی وحشتناک - تری روزگار بگذرانند به حدود ۲۰ میلیون می‌رسد. دوماً مسئله به هیچ عنوان صرفاً به کارگاه‌های با کمتر از ۱۰ کارگر خلاصه نخواهد شد و همان‌طور که در مورد لایحه خروج کارگاه‌های کوچک با کمتر از ۵ کارگر از شمول قانون کار پیش آمد و صاحبان کار -

گاه‌ها برای استفاده از مزایای لایحه فوق، فوراً دست به اخراج کارگران زدند تا تعداد کارگران را به ۵ کارگر برسانند، در مورد آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار نیز مسئله تکرار خواهد شد و کارفرمایان برای استفاده از مزایای این آئین‌نامه، دست به اخراج کارگران خواهند زد تا شمار آنها به مرز ۱۰ نفر و کمتر برسد. به ویژه آنکه این بار آنان از اختیارات بیشتری نیز برخوردار شده‌اند و نه فقط در این راه منع قانونی ندارند، که آشکارتر و همه‌جانبه‌تر از گذشته، از حمایت - های قانونی نیز برخوردارند. بنابراین، این مسئله کاملاً روشن است که با اجرای این آئین‌نامه، هم، انبوه بسیار زیادی از کارگران، کار خود را از دست خواهند داد و هم در عین حال شمار کارگرانی که از شمول قانون کار خارج خواهند شد از تعداد کارگرانی که در لحظه حاضر در کارگاه‌های با کمتر از ۱۰ کارگر مشغول به کارند، بسیار فراتر خواهد رفت. رابعاً این درست است که بر طبق آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار، کارگران کار - خانه‌ها و کارگاه‌های بزرگ هنوز رسماً و یا بر روی کاغذ از شمول قانون کار خارج نشده‌اند، اما این مسئله نیز روشن است که چه از ناحیه اجرای این آئین‌نامه و چه از ناحیه ایجاد تغییرات دیگری در قانون کار به نفع سرمایه داران، کل طبقه کارگر ایران تحت فشارها و تضییقات بیشتری قرار می‌گیرد و مجبور است مبارزات خود را علیه طبقه سرمایه دار در شرایط پیچیده تر و دشوارتری سازمان دهد. از هم اکنون دارند سر و ته بسیاری از مزایای کارگران این واحدها را نیز می‌زنند. در زمینه تامین وسایل ایمنی کار، پشت گوش اندازی می‌کنند. در زمینه دفت‌رچه‌های بیمه و ارائه خدمات اجتماعی نیز مشکل تراشی می‌کنند. برای نمونه سازمان تامین اجتماعی، مسئولیت ارائه بسیاری از خدمات این سازمان را دارد به کارفرما محول می‌کند. بنا به گزارش ایسنا، "در صورت تقاضای کارفرمایان کارگاه‌هایی که بیش از ۱۰۰ کارگر دارند، یک درصد از وجوه مبنای کسر حق بیمه طبق قانون تامین اجتماعی به آنان پرداخت می‌شود و در مقابل مسئولیت پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری، کمک هزینه بارداری، کمک هزینه ازدواج، هزینه پروتز و اورتز، پرداخت هزینه کفن و دفن، پرداخت هزینه سفر، اقامت بیمار و همراه به بیمه شدگان شاغل در کارگاه، به کارفرما محول می‌شود." و بعد سازمان تامین اجتماعی هم بر حسن اجرای تعهدات کار - فرما نظارت خواهد کرد! هیچ تردیدی در این مسئله وجود ندارد که این ترفند سازمان تامین اجتماعی نیز اساساً شانه خالی کردن

در برابر تعرض سرمایه داران

به حقوق کارگران باید ایستاد !

این ارگان ازمسئولیت درقبال کارگران و ارائه خدمات به کارگرانی است که سالها حق بیمه پرداخته اند و به یک عبارت، سازمان تامین اجتماعی با این شگرد در واقع دارد زمینه لغو و حذف این کمک ها و خدمات را فراهم می کند.

دریک کلام، تعرض طبقه سرمایه دار و دولت حامی آن علیه طبقه کارگر و سطح معیشت کارگری همهجانبه است. شرایط کار، اصول و معیارهای ناظر بر روابط میان کارگر و کارفرما، عملاً به دست اراده و میل سرمایه دار سپرده شده است. همان دیدگاهی که در زمان تدوین قانون کار، اجبار کارفرما رابه رعایت برخی شرایط و موازین "خلاف شرع" می دانست و از "باب اجاره" دفاع می کرد، امروز بعد از دو دهه و زمانی که جبهه دوم خرداد و "اصلاح طلب" هم قوه اجرایی و هم قوه قانون گذاری را در دست دارد، عملاً پذیرفته شده و دارد اجرا می شود! اگر توکلی وزیر کار وقت رژیم نتوانست ایده های ضد کارگری و فرار تجاعی خود را عملی سازد و این درجه از فشار و بی حقوقی را بر کارگران تحمیل کند، اکنون آقای خاتمی اندک اندک دارد به آن جامه عمل می پوشاند. در برابر این تعرض سرمایه داران داخلی و شرکای خارجی آنها، طبقه کارگر باید بایستد و محکم تر از دو دهه قبل هم باید بایستد و از دست آوردهای خود حفاظت کند. کارگران صرف نظر از این که در کدام کارخانه و یا کارگاه به کار مشغولند و یا در معرض اخراج و بیکاری اند، و مستقل از این که در واحد تولیدی آنان چند نفر به کار مشغولند، باید متحداً علیه این زورگویی و تعرض دست به مقاومت و مبارزه بزنند. اگر کارگران مبارزه وسیعی رامستقل از تشکل های رژیم می که برای هزارمین بار همدستی خود را با سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها از جمله در جریان تهیه و تنظیم همین آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار نشان داده اند، سازمان دهند، اگر متحد و یکپارچه وارد میدان شوند، بدون تردید قادر خواهند بود جلو تعرض سرمایه داران را بگیرند. در عین حال وظیفه کمونیست ها و همه نیروهای چپ انقلابی است که از این مبارزات و از خواست های کارگری فعالانه دفاع و حمایت کنند و کارزار وسیعی را علیه تعرض سرمایه داران سازمان دهند.